

بسم الله الرحمن الرحيم



بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و خفش و این مالک و خولش را بر مضارع در شریز جائز داشته اند قسم دوم
 حرف تعریف و آن دو نوع است اول عهدی که مراد از مدخولش فرد واحد
 باشد و آن سه صنف بود اول عهد ذکر می که آنرا حشی نیز گویند و آن عبارت
 از لایکه اشاره کرده شود بآن جانب مبنی که مستحق باشد در فرد واحد موجود
 فی الخارج که متعین باشد نزد سماع و تکلم و لازم است آنرا که مدخولش اولان ذکر باشد
 نحو **أَنَا رَسُولُ اللَّهِ** **فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ** و علاتش صحت قامت
 ضمیر مقاشش مع مدخول آنست پس در مثال مذکور اگر گویند فعی فیرعون یاه
 میتوان صنف دوم عهد وثنی و آن عبارت از لایکه اشاره باشد
 بآن جانب مبنی که مستحق باشد میان فرد و فرد فی الذهن و ذکرش در قبل
 نبوده باشد نحو **أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّبُّ** و از آنست **أَوْ هِيَ فِي الْفَارِصِ** صنف
 سوم عهد حضور می که برشی حاضر و مشاهد مثل شود مانند زمان حاضر
 و آنچه بعد اسامی اشاره و کلامی در مد بود و امثال آن نحو **أَلَيْسَ الْكَلْبُ كَلْبًا**
وَنُكِّلَ وَجَارِي هَذَا الرَّجُلِ و **يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ لَا تَقْشِرْ رَأْسَكَ** هنگام حاضر بودن رجل
 و این عصفور گوید لام الآن و بعد از آنجا که مخبر حجت فاذا الآن نیز ازین قبیلست
 اما این هشام گوید تحقیق آنست که لام الآن زائد است بدلیل لزوم و عدم
 انهماکش چه لام تعریف لازم نمیشد و نیز در بعد از ابرای تعریف شی حاضر
 وقت تکلم نیست نوع دوم جمله که مراد از مدخولش فرد واحد نباشد

لایه فرجه
 جانب فصح
 رسولی را پس
 بهنای که فرعون
 این رسول را
 لایه غوغا پیغمبر
 ازین که خود را
 کدام اگر
 لایه امر در قسم
 کدام بر اسامی
 دین شمارا
 لایه دشنام
 مدح مدح حاضر
 را

حرف

در اینجا معرفت بلام جنس حکم کرده دارد که صفتش بسپنی جمله کرده و آنچه شده و بعضی این
را عهد دهنی قرار داده اند و بعضی این صفت را دو گونه ساخته اند یکی برای جنس
نفس ماهیت قطع نظر از عموم و خصوص کما در دوم برای ماهیت من حیث الاطلاق
نحو الانسان نوع و الحيوان جنس حال آنکه ما بحث نیست زیرا که مقید علی الاطلاق
و خلست در ضمن تحقیق عموم پس تجدید صفت لاج مقید فائده جدید نیست قسم سوم
حرف زائد و آن دو نوع است اول لازم و آن چند صفت باشد اول
عوض حرف محذوف مثل الله صفتش الله علی الاصح بعد حذف همزه الف
لام عوضش آوردند و مجموع علم واجب تعالی شایسته فائده تعریف از علیت
و الف لام زائد دوم غیر عوض داخل بر اعلام مگر بخیل نحو استموا لفتح تین
و سیم و همزه بعد و او ساکن نام این عاذا یا شاعر یهودی یا زید که گفتی یا بوبرا و کتب
بفتح تین نام پیغمبری سوم غیر عوض داخل بر اعلام منقوله نحو اللات و اعتری
زیر که لات در اصل بتشدید تا نام شخصی است گفته سویی و طائف بوده است
که مردم بر قبرش هجوم کرده و شن ساختند و بطور تبان پرستش نمودند و عترتی
درختی بوده است و عطفان که او را می پرستیدند و چون خالد بن ولید آنرا
بجسم رسول مقبول قطع کرده بود شیطان زنی پریشان جو دست بر سر او
گویان بر آید تا آنکه خالد بضرتهای شمشیر او را مقتول نمود و او می گفت یا عترتی
گفتم که لا یجاءک به اتی رأیت المرقه ایاک به پس فرمود انکسر

کتاب الف
توضیح
در بیان
صفت
للام
در جنس
نفس
ماهیست
من حیث
الاطلاق
نحو الانسان
نوع و الحيوان
جنس
حال آنکه
ما بحث
نیست
زیرا که
مقید
علی الاطلاق
و خلست
در ضمن
تحقیق
عموم
پس تجدید
صفت
لا مقید
فائده
جدید
نیست
قسم
سوم
حرف
زائد
و آن
دو نوع
است
اول
لازم
و آن
چند
صفت
باشد
اول
عوض
حرف
محذوف
مثل
الله
صفتش
الله
علی
الاصح
بعد
حذف
همزه
الف
لام
عوضش
آوردند
و مجموع
علم
واجب
تعالی
شایسته
فائده
تعریف
از علیت

کتاب الف
توضیح
در بیان
صفت
للام
در جنس
نفس
ماهیست
من حیث
الاطلاق
نحو الانسان
نوع و الحيوان
جنس
حال آنکه
ما بحث
نیست
زیرا که
مقید
علی الاطلاق
و خلست
در ضمن
تحقیق
عموم
پس تجدید
صفت
لا مقید
فائده
جدید
نیست
قسم
سوم
حرف
زائد
و آن
دو نوع
است
اول
لازم
و آن
چند
صفت
باشد
اول
عوض
حرف
محذوف
مثل
الله
صفتش
الله
علی
الاصح
بعد
حذف
همزه
الف
لام
عوضش
آوردند
و مجموع
علم
واجب
تعالی
شایسته
فائده
تعریف
از علیت

امام غفرلہ عنہ
مفتی محمد امجد علی صاحب دہلوی
پس بعد ازیں حضرت
صالح علی خان صاحب
امام شافعی رحمہ اللہ
درست و قریب و حق

فصل الہدی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والعالين والصلوة على
رسوله محمد وآله أجمعين بدان ملك الله تعالى
که کلمات عرب قیمت فعل و اسم و حرف

[illegible][illegible]

[illegible]

۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

(Handwritten Persian text at the bottom of the page)

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

ولن مضارع رافعه مستقبله کر و اندوپی منفی تاکید ملن و آخر

که در اولش جاگیر و اکت در یک صیغه همچون و یا و چهار

و نام پنج اثبات فعل مضارع معروف یفعل

یفعل یفعلون یفعلان یفعلن یفعلون یفعلن

فعل مضارع مجهول شود نحو یفعل آه

کلمه ما و لا تغییر می در لفظ مضارع نه نحو لا یفعل و لا یفعل آه

و لن مضارع را بقصه مستقبل که در اندوهی نفی تاکید ملین و آخر

نوکری انور علی احمد خان
 مکرم دادہ شود و عا
 علی دادہ شود و عا
 دادہ شود و عا
 نوکری انور علی احمد خان
 مکرم دادہ شود و عا
 علی دادہ شود و عا
 دادہ شود و عا

صلوات بر ائمه اربعین صیغه است و بنای آن از مضارع

[illegible]

ماحولی معینیت ۱۲

11/20/2011

一、

مکتبہ شریعیہ

1

16



نیاید بخون ضرب نهوا، و عرب یعنی قبول کند و اعراب
 حاصل نیست ۱۱
 نحو ضرب زید و رایت زید او مرتب زید و دوست تلک که
 بجای د و اعراب و تنوین ۱۱ کن و صرف نیز خوانندش تنوین که
 بجای نه که سه و تنوین را اگر بد اعیه خود صدق احمد و تنوین سه
 کونه است مصدر سه که ماضی فعل بود و در آخر معنی فارسی آن
 آید یاتن و مشتق ای قطعی مصنوع از مصدر با حدک هیا
 معنی باقی آمده معنی آن مصنوع الا وانی و علی من انقضت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

از حضرت علامت
 مضارع به دریا یاد الایها
 بنده ای که خال شید چون نوحه
 بهر لباس به خرم خون دارم درین
 خود را در دین خود خوار است این وزن
 با بیاض خوانند و او را می چویند
 و شکر طریاق است که نفس می کشد
 چو از لاله می آید بهر پیر
 بنای منور است بهر پیر
 نغمه می شنود بهر قبول از سرخ
 می گوید که در نفس این است
 که در شوق کوه شود از کس بهر
 سبک است از اندیشه یاد شد
 خود دران شعر

10

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

نظامی و رباعی و ہر یک دو نوعت مجرود و مزید لیکن مصدر

و مشتق در اطلاق مجرود و مزید تابع فعل باضی خودند تلافی

محرر لفظی کہ در یاد راضی او سر حرف اصلی باشد و پس

۱۲
او فیل خواہد مضد

ثلاثی مزید آنگه در ماضی اوسته حرف اصلی بود و یا زائد یا ماضی که در

سه حرف صلیبت باز یادتی و رباعی مجرب و آنست که درو

یا دراضی او چهار حرف صلی بود فقط و رباعی مزید آنکه دراضی

او چار حرف اصلی باشند و زائد یا ماضی که در دو چهار اصل

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

PA

[illegible]

مکتبہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند

مصدقہ

منسوب به صدر است از نو گویند از باب
افعال یا فعلیت یکبار

مصادیق و پیغمبی در آن بسبب عدم
مصادیق و تصور

فهرست مصنفین و مؤلفین و مترجمین و ویراستاران و ناشران و توزیع کنندگان و پخش کنندگان و ...

سید الشہید حضرت مولانا
شیخ الاسلام مولانا محمد امجد علی شاہ صاحب
مقام مولانا مولانا مولانا مولانا مولانا
مولانا مولانا مولانا مولانا مولانا مولانا
مولانا مولانا مولانا مولانا مولانا مولانا

[illegible]

کتابخانه عمومی
شعبه کتب خطی
موسسه تخصصی
پژوهش و تحقیقات
ادبیات و تاریخ

عقود

دانشگاه آزاد اسلامی
تهران - مرکز تحقیقات
مطالعات اجتماعی

۴

صغیر انت کہ کچھ بھی ہو

پہاڑوں کے علمبردار علی گڑھ میں
بازاروں میں شہرت

کتابخانه ملی افغانستان

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

بر بانی مزید و نوعت ملحق بہ تسریل و باحر تحم نوع اول

[illegible]

معاونی التعلیمی
الوجہات و اختصار
وہدایہ التعلیم
درک سبب یافتہ شدہ
فصل دوم در بیان
قواعد و مبادی
ازین فصل و احکام
بر تشریح استغفار
یعنی غفران



۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

و قریب ای بر دین حال چیزی را بعرض در لولان خند نخواهیم
 و قریب ای یافتن چیزی را موصوف با خند نخواهیم و سلب
 ای زانکه درون ازشی ما خند را نخواهیم و شکایت و اعطای ما خند نخواهیم
 و قطعه قضایا و یکنوع ای سیدان با آمدن ما خند نخواهیم و اصرار
 و قریب ای بر دین حال چیزی را بعرض در لولان خند نخواهیم
 و قریب ای یافتن چیزی را موصوف با خند نخواهیم و سلب
 ای زانکه درون ازشی ما خند را نخواهیم و شکایت و اعطای ما خند نخواهیم
 و قطعه قضایا و یکنوع ای سیدان با آمدن ما خند نخواهیم و اصرار

تفصیل تقدیر و نصیرت

و تصییرت ای نشن شی صاحب باخذیا صاحب چیزی موصوف

بماخذیا صاحب چیزی درماخذنوا لکن و اجرب و اخرقت

و لیکاف و حیثیت نوا لام الفرع و احصد الزرع و مبالغه نوا لکن

و فعل و افراج و ابتدا نوا نشن و موقت مجرد و فعل و تفعل و

و تفعل نوا جی لیل و اوجی و مطاوعت فعل و فعل ی پس آردن

و فعل و فعل را و اولات کند بر پذیرفتن مفعول اثر و فعل

و تکیه تاکب خاصیت تفصیل تعدیه و تصییرت

و بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا
 و بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا

سخن نزل و نزلت و سلب نحو قدسیت علیه و قدسیت علیه و

صیرورت نحو نور و سلب نحو عمق و سلب علیه و سلب علیه و

و جمل و موت الابرار قطعت البیاب و نسبت باخذ و فاشقه

و الباس ماخذ نحو جلالتها و تخلیط ای چیزی را ماخذ اند و کردن

نحو بهشت و تحویل ای گردانیدن چیزی را ماخذ یا بهر ماخذ نحو

قصریه و قصر یعنی اشتقاق آن از مرکب بهمت

انتصار حکایت نحو اکل و کما وقت فعل و اکل و فعل و ابتدا

اینک بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا
 و بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا

و بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا
 و بیاورد آن سرافراز
 بنظر فضل چون می
 قریب ظاهر کرد و شد
 چهل بسیار از گردید
 اول بیاد هر کس
 دوم که در کتابه فعال
 چون سوت اولی
 عام در شش آن افشا

یعنی نمودن غیر حصول اخذ و خود خو تراض و مطابقت

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

فصل الثانی
 شکر برادر بزرگ بخیر فغانی
 پنجاه ایام در منزل
 قاتل و دوا الاستاذ میرزا
 وزیر میرزا علی اکبر
 چنانچه که این برادر
 است پس برادر
 یک ساله در ده سال

فَاعْلُ بِمَنْعِي فَعْلٌ شَوْبَاءٌ عِدَّةٌ قُبَا عِدَّةٌ وَمَوَاقِفَتْ مَجْرُورٌ فَعْلٌ

و آنچه از لفظی که در مفاعلت و مفعول میجو است در تفاعل

لیکن خواہر و اگر نہ لازم ہو وہ خاصیت فعال اتحاد دست

نحو آخر واجتنب اغتراف الشاة وعضده وتصرف اليه بجد

نمودن و فعل نحو اکتساب و تخمیرای فعل الفاعل ایفعل لنفسه نحو

لَمَّا قَضَا حَتَّ فَعَلَ نَحْوَ مِثْلِهِ فَاثَمَّ وَهَوَّافَتٌ مَجْرُودٌ فَعَلَ وَ

فعل و تفاعل و استفعال و ابتداء خاصیت تفعیل

[illegible]

غیر معلول است ۱۱۱۱
 تشدید در معنی فعل
 و لهذا افعیل و ران
 منتهی خاصه و ثانی
 چون افعیل و ران
 و اولی و ثانی
 و اولی و ثانی

مجلس شورای اسلامی

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]



۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

[illegible]

و بدین تنوین آید نحو جَوَّارِی و جَوَّارِ آرد و یای آخر مغایل

رواست کہ گئی بقیہ و دیگر حکم یا مفاعیل یا بدخو

صاحب وطنی در بھی و دعی بقا و دعا گویند تجارت و بعضی

مگر کھائی وادو وائے ساکن بعد فتح الف نیز نہ خوانند

عن تَابِثٍ عَنْ أَنَسٍ وَأَنَّ ضَارِبَانَ أَصُولِ مُضَاعَفٌ

تو در حرف کجین در کله بهم آینه اول ساگر. بود او غم

اجبت است و اگر تحرکت و دوم ساکن بکون وقف یا

[illegible][illegible]

۱۰ و متحرک است یا نه و اگر نه با نقل بخوبی در دو حرف

[illegible]

اول حرکت اول ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اول حرکت اول ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اول حرکت اول ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اول حرکت اول ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک

او دو کلمه او غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 جازا اگر اقبل و متحرک است یا مدیه و دوم متحرک و الا نه شرط
 او غام است که اعلال فرجام نشود و نحو آخر غوی و لبس نبود
 ای در اتم با حرکت اول نحو سبب و حرف اول های سکه و
 بدل از همزه و ال و غم فیه نباشد و دوم برای الحاق نبود
 با حرکت اول متغیض است در نحو وین و بیله و مکرر متحرک و
 متباعد که بعد متحرک افتد یا نه و در و همزه مکرر شد

اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک

اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک
 اینها را در غام ساکن غیر مدیه واجب است و او غام متحرک

[illegible]

کتابخانه ملی ایران
تاسیس شده در سال ۱۳۰۲
مجموعه کتابها و اسناد
تاریخی و ادبی
در دسترس
محققان و علاقه مندان
قرار دارد.

[illegible]

و عین درخا و خادس و دو قلب آن سجا و حیم و شین و با

در رسم و قفا و میان غین و خلیفیان قات و کات و میان

طاو و طاو وال و و وال و تا و تا و شش و صا و و زا و سین

دور میان هر سه و تالی افتال بعد حروف مطبقة طاکر و

پس او غام صا و صا و چار بست و بقیه طلا بجنس اقبل

و او قاضی و واجب او قاضی و اجازت بقول طایبان و عکس

و بعد و ال ذال زای و ال شود پس او تمام و ال اجیب و
 ای تائی افتال

[illegible]

[illegible]

۴۴

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فعالی و فعیل سے معنی مفعل و فعلان فعلی فعالی جمع

چون هم از کوه صحرای ابرو
افق صفت کرد و دلف
تا نشت آورد و در گریه
بولی بچ آن صحرای کرد
کبریا وای شده کبریا
همه دلف است پس
یکبار خفت کرد و خوبروا
گرفتند وای کرد و خوبروا
کردند و دلف

[illegible]

[illegible]

و چون نیز آید و در مونس و شکر شاد است و فعالین شل

۱- در این کتاب که در این کتاب است
 ۲- در این کتاب که در این کتاب است
 ۳- در این کتاب که در این کتاب است
 ۴- در این کتاب که در این کتاب است
 ۵- در این کتاب که در این کتاب است
 ۶- در این کتاب که در این کتاب است
 ۷- در این کتاب که در این کتاب است
 ۸- در این کتاب که در این کتاب است
 ۹- در این کتاب که در این کتاب است
 ۱۰- در این کتاب که در این کتاب است

فصل الکبری فی علم مونت و تائینت
 و تائینت علم مونت و تائینت
 و تائینت علم مونت و تائینت
 و تائینت علم مونت و تائینت

و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون

۲۹

و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون

و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون
 و یقین در و الف مقصوره و همزه تائینت و او شود و اما سنون

و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...

نخوانند و عین کسره فتحه و کسره و نیم سکون نیز خوانند و قن

واوی واجش سکون فتحه و عین حجرة فتحه و ضممه و نیم سکون

نیز خوانند و ناقص یائی واجش سکون و فتوح اما صفت مضاعف

هر سه جز سکونت فقط و قتل کفایه و در معنی جمع بود آنچه

می آید لاجق تا باخر مفروش چون گماه و بخت تایا یا از آخر

خو مر و معد و روم و مثل رگب و خدم و ظرب و عبید و رخلایه

ور قفه و جامل و عبید و توام و قصباء و مشی و جاره و حیران

و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...

و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...

و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...
 و کسر نه بر روی قن آن قبل و او ...

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بن آدم شیعی فعال عالم و صاحب قبال صاحبی و مفعله لکان کفریه
 شیعیان بیاد باشند ۱۱

فصل ایال و حذف حروف بدل که نه برای ادغام است

چارہ اندازت یوم جہاد زل اما ہمزہ ہے آید پیل

از حرف لاین در آیه و عالم و بار و زمین و موقت و از این

رواد و ایاب بکجرا و آلت از او و میا و با و عمره چون طایفه

وَأَلْوَازِوَالْفَ وَهَمْزُ جَوْنِ صَيِّمٍ وَصِيْبَةٍ وَخَلْفَةٍ وَ

از یکی از دو یا سه حرف تضعیف و از نون سماعاً کثیراً چون

[illegible]

فصل اول در بیان اقسام صوت
صوت را به دو قسم تقسیم می کنند
یکی صوتی که از اجزای بدن
نمی آید و دیگری صوتی که
از اجزای بدن می آید

و با و صا و چون آنج و طست و عالت و صفت و با و زنا و مزه
نخ و رقت و هر خت و بیگ و من فلت فلت و یا نه
و آ ز الف و رت و آن و ل م از نون و صا و در اصبلال و طنج
و ط و دال از نا و خط و ق و ز و آ و ج و و ک و ج و ع و زای
م شد و و عالت و قف و خنج و از خنج و خنج و آ و سنج
و ز و است ابدال صا و از شین که قبل غین و خا و قاف و
طاب و خنج و صنج و صنج و صر و صراط و ابدال ای از سین

۱۰۵

و زنا و مزه و با و زنا و مزه
نخ و رقت و هر خت و بیگ و من فلت فلت و یا نه
و آ ز الف و رت و آن و ل م از نون و صا و در اصبلال و طنج
و ط و دال از نا و خط و ق و ز و آ و ج و و ک و ج و ع و زای
م شد و و عالت و قف و خنج و از خنج و خنج و آ و سنج
و ز و است ابدال صا و از شین که قبل غین و خا و قاف و
طاب و خنج و صنج و صنج و صر و صراط و ابدال ای از سین

فصل دوم در بیان اقسام صوت
صوت را به دو قسم تقسیم می کنند
یکی صوتی که از اجزای بدن
نمی آید و دیگری صوتی که
از اجزای بدن می آید

[illegible]

قول اول در بیان اینست که هر چه در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

و نیز باین کسان فعال از ملک و بر تقدیر فقه استعاق
 دلیل زیادت حرف خرق کلیه آتش از اوزان بود
 اصالت کنه کمال و فون و خفسا و اگر زیادت
 هم خرق لازم آید نیز زیادت کنون زجس بگر آنگه زیادت
 در آن محل نیاید کیم مرز خویش و اگر هیچ تقدیر خرق نبود دلیل
 زیادت غلبه است غالب است زیادتی حرف ضعف
 با سه حرف اصلی چون گرم و قرد و عصب و عصب و عصب
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است
 و در این کتاب است و در این کتاب است و در این کتاب است

[illegible]

[illegible]

اغلب است و اگر شبهه هر دو تقدیر است ترجیح و بیشتر بودن
 اغلب و بعضی باقیین پس خوان نه و غالب از ضمن است
 بل فغان از خودم که اغلب است و موزق مفعول موزق و نه و فغان
 که اگر چه در آن اقصی است اما مغلوب نیست و اگر غلبت نبود
 هر دو برابر چون از جوان افغان است یا فغان و اگر
 شبهه اصلاً نبود پس با غلبت و اگر نباشد هر دو برابرند
 فصل قرین آی علمی که از آن جواب کیست بنی من کن
 ازین و اصل و در حرکات و سکنات و
 فغانی در حرکات و سکنات و
 ازین و اصل و در حرکات و سکنات و
 فغانی در حرکات و سکنات و

مجلس شورای ملی

[illegible]

فصل خط یاسین اگر هم حرف هجا بود و کتابش یاسین است
 و اگر هم شی دیگر است یاسین بود و تیس و در مصحف مجید
 بر هر دو تقدیر اخیر است بر آنکه اصل و خط هر یک که کتاب است
 بحر و قش بصورتیکه مرا و راست در وقت ابتدا آن وقت
 بر آن و لهذا از روی او و مخفی سه جبت بها نویسند و مانند بزه
 و بریزید که در یونیک و منکم و ضمیم متصل نگارند و کتابت تضرین او
 و این تضرین بنام علی تضرین او و نوون علی تضرین یا نوون یا نوون
 بصورت شریک ۱۱ جمع مضارع بنون خفیه ۱۲

فصل خطایسین اگر اسم حرف هجا بود کما پیش آید است

اگر اسم شیء دیگر است یا سبب بود و نیست در مصحف مجید

در هر دو تقدیر اخیر است بلکه اصل و خط هر یک که کتابت آنست

مخروفت بصورتیکه مراد است در وقت ابتدای آن وقت

ان و لهذا رزید او بمحلی که جنت بها نویسند و مانند بنده

از دیدن کردید و شک و منکم و ضرر کم نگارند و کتابت اضرین او

اولت مضربین نیا و نل تضربین او و نون نل تضربین و نون نل تضربین

[illegible]

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲

و تاسی تانیث فنون تاکید و مانند آن حکم مشروطه بای چون خیر و ک

خطش بود و بقیت پس در شهنشون و شهنشون ملک خطایمزه

را تئویندیک اوویا، الف بخلاف نخوردانی و جبابی

این در صورتیست و در قرآن و یقیناً آن همه را میفهمند تا
 نیست بدین گونه ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

التباس بفرد و جمع منش نشود انچه که ربع يا زياده در اسم

یا در فعل باشد یا توتو باشد یا نحو صد یا و بعد یا هم در مانند یکی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

119

[illegible]

شماره ۱۳۳۳ از فصل ۱۷، پیوسته

اینست با توفیق و تدبیر الهی که در این کتاب
 از جناب معین

[illegible]

[illegible]

کتاب

نشر خاتمه تشریح نسیان کلک گوهر سلک عمان تبحر علم و فن، آبر خوش
در سخن، محیط جزو مکالمات خفی و جلی، مولوی محمد ادی علی محفوظ

کلمه توحید باری عزیمت در زبان طولی قائم شکرین مقارست که میزان عدلش قطاس اعمال و نهال و قاتح توحید
خالق سبحان و هستان عند لب قلم شیرین گفتارست که حکم طغش ماضی در حال و استقبال قاتل حقیقی که از
ذره تا خورشید بر قدرت کامله اش گواهی عجب غائب حاضر شاه که ان الاخر کائنات تفسیر لیس کشفی بر بی مثالی او دلیل
لا شکر که رحمت بر نفی انباز و عدل شکر کنش بهول الی او را که به اقرار همه که اعر فکاک به معروف میان خاص
و بهر عام به که شکر کند مزید انعام به تخفیف نهاد و بهر و زار به ضعیف با جبر و کار به لطف جمده حضرت آفرینگار و آس
و لازم تمام فوایح لغت آن مصدر اشتقاق مکارم است که بار او را زینت و تفسیر و تفسیر اقیانان بر و درش شفاست نمود
گذاشته و سفارش محصور و کبیر و ماصیان ابتداء سالن بر بهمت و الانست داشته سایه دامان و اسای حشرش
بر تفنگان آفتاب قیامت ممد و دلب خوشش برای تشنه کامان آن وادی بر آفت مکان در و حقایق حشرش
بر بی از اعتلال و خبر صادقش منزه از استمال و مشهور ختم رسالت بنام تائیس مقصود و خلوت سرای او ادانه
بزیات و الایش مبرر شکر بیشای قرب را شیر البشر و ابل بستان باز غ البصره محرم ایوان و صل کبریا
و قبح عبیدیت حکم انما یکما که ناز عصبه اسری بود و عالم اسرار ما وی بوده گوهر آردار صلوات و در شاه و تحیات
ابدال آباد غار بارگاهش و آل و صاحب فی باهش با خاصه اربع عناصر خلافت عظمی چار ارکان ولایت کبری
که بنده پیر صائب و رای سالم جمع قلت اسلام را بکثرت رسانیدند و بکسیر فرق اهل تخیلان عالم باز
زیادت و علت خلالت پاک گردانیدند بقدر ازمین تنگ و عالم کترین سبب آدم جز و منفرا خاک برابری
ازلی محمد با وی علی کفران خطیایه و تجاوز عن سیاتیه بزرگست و انایان رموز مکتوم صرف کنندگان
اوقات در داکره علوم عرضید هر که جلالت متن معین کتاب جامع قوانین رگاز نسای از نواز عبقری مسی
بفصول الکبری مشهور بر شهر و دیار و آفتاب رابعه اظهارست همانا در وقت و متانتست بر اسفار ساهت
گردیده و از ایجاز و زانت کتمه تفسیر الکلام عالی کرده پیش ازین طباعان روزگار دست کوتا و پدایش
آوینند و طبع درسی بودنش مره بعد اوسله در قالب طبع ریختند لیکن تراز عدم شش در حجاب وادی و به

۱۳۳

نشر در کتب و نشر

از زیور تحقیقات جاری مانده از رونق افروای بزم اہست و سادہ آرای انجمن کسنت قدردان علم و ہنر و روح
شرف را نیز کبر مہر و مشرقین حامی محمد حسین خدو اللہ من اصحابہ امین و نعم علیہم رضی اللہ عنہم
برای طبع آن پس از تہذیب و ترتیب و اتمی ایما فرمود و نظر نفع عام عثمان توجہ بدین نظر منوط نمود
لاجرم بمقابلہ نسخ معتبرہ و تصحیحش پرہنم و از شرح و دیگر کتب مستند فن محلی و بخشی ساختہ بیشتر از
فوائد کہ تقویض آن نمودہ شد گوش روزگار نشنیدہ و بسیارے از لطافت عجیبہ کہ در آن ودیعت نہادہ آمد
چشم او را زدید و بجا طول لاطال نام صریح ماخذ تحشیہ بردم و ہر کی را راز سے قرار دادہ بران گفتا کہ
چنانچہ شخص عبارت از شرح اصول مصنف علام مست و نظر اشارہ بشرح شافیہ از ہم الا یہ رضی اللہ عنہ
عالی مقام ج کتابہ از جابر بردی ظاہر از نظامی صحیح از شرح غلام یحیی بہاری ف علم اقطاف الیوحیان
اخر آسمان نامداری کہ اختصار کار کا و الاصول شرح این کتاب از مولوی حمایت علی کا کوروی رحمہ اللہ
الوہاب ن رمز نوا و الاصول فی شرح الاصول تصنیف سر آمد علما تاج الادب و الفضل محیط ناپیدا کنار
تحقیق برای موجزن تریق مہر درخشان منطقہ فضل و جاہ حضرت استادی مفتی مولوی محمد سعد اللہ
لازال غیم فیضہ باطر او صاحب ارشادہ متقاطر کہ ادنی شعلہ فکر از جہندش روغن از سنگ بر آوردن آسان
حیلہ طبع و قادیش آب از آتش بیرون کردن مضمونیکہ پسند خاطرش افتاد ہمیشہ بر خویش مینارد و نکته کہ مقبول
گردید کلاہ گوشہ بر آسمان می اندازد و استغنائات روزگار آنکہ کافی این مطبوع بلا حظہ عالی او ہم گذاشتہ است
و موجب مزید اعتبار آنکہ از نظر انورش نیز کما سیاب گشتہ و نسبت چند حوالہ مطبوع سابق این کتاب و
امثالش جانب جناب مہر و کار گزاران بعض مطالع کہ برای رونق بازار ساختہ و تبار اہام بذکر نام صحیحین
اصلا نہ پرداختہ حکایتی ست خلاف واقع پس این مطبوع چنانکہ بسبب فوائد فراہم میسر و رونق بازار و
مطبوعات دیگری شکندہ باینستہ بقضای بشریت جز نہاد سالی خود دعوی نیست و در ہیج بابے تکیہ بر صواب
و امن از خطا نیست امید از ناظران کہ بنجائند و عذر معترمان قصور قبول فرمایند باینکہ این نہمان
شاہر موعود است کہ تا حال مشتاقان را لالت انتظار افروود و بعد انقضاے زمانی غار از طبع بر رو کفیدہ
و نظر نظر از گیان جلوه نمود و تبار از شش ہجیکہ دست و ہر توان خرید و نہ مہر و مان این دولت غنیریب
گفت انشوس خواہند مالید و ما علینا الا البلاغ البین و آخر دعوانا ان الحمد للہ رب العالمین

برای قیاس ۱۲
 مضاف به قیاس ۱۳
 مضاف به قیاس ۱۴
 مضاف به قیاس ۱۵
 مضاف به قیاس ۱۶
 مضاف به قیاس ۱۷
 مضاف به قیاس ۱۸
 مضاف به قیاس ۱۹
 مضاف به قیاس ۲۰

شش پست زهر آنکه کند یا دبت رے بنیاب که شریب شود و امن نگاهو شان	شش پست زهر آنکه کند یا دبت رے بنیاب که شریب شود و امن نگاهو شان
---	---

آغاز مقصود

کتم شروع مقصود از عنایت رب اصول هست سه باب نخست فی ثبت خواص جمله آنها برون ز حصر و شمار	برایش دلتانی مجرد است انب که عین ماضی و قاهر و یو یافته حرکت مناسب آنکه رقم سازم اندک از بسیار
---	--

ضرب

ضرب بر آنکه بود سلب قطع ماضی را بود یعنی اعطاء و قصر پی تازی فاعل بود ماضی خویش زهر کثرت اخذ هم اتحاد به ان یکی بود و سلب الارض دیگری خویش خبر تازی بود از بهر معنی اطمینان	خفا بهر نخستین ذکر خلقت خلا یکی بود و اخیرا ذکر دیگر به چو مقفا مثال آن خبر و انرا ای هایت کیش برای معنی تخلیط نیز اورا خوان چو طمان از پے نقش مثال شامیس غنیمت پی الباس لے مگو فرجام
--	--

قصر

مضاف به قیاس ۱۲
 مضاف به قیاس ۱۳
 مضاف به قیاس ۱۴
 مضاف به قیاس ۱۵
 مضاف به قیاس ۱۶
 مضاف به قیاس ۱۷
 مضاف به قیاس ۱۸
 مضاف به قیاس ۱۹
 مضاف به قیاس ۲۰

برای قیاس ۱۲
 مضاف به قیاس ۱۳
 مضاف به قیاس ۱۴
 مضاف به قیاس ۱۵
 مضاف به قیاس ۱۶
 مضاف به قیاس ۱۷
 مضاف به قیاس ۱۸
 مضاف به قیاس ۱۹
 مضاف به قیاس ۲۰

مضاف به قیاس ۱۲
 مضاف به قیاس ۱۳
 مضاف به قیاس ۱۴
 مضاف به قیاس ۱۵
 مضاف به قیاس ۱۶
 مضاف به قیاس ۱۷
 مضاف به قیاس ۱۸
 مضاف به قیاس ۱۹
 مضاف به قیاس ۲۰

دوم چو یاسر فی عام و یسرت بخوان
 خیر آمانی ذرا عیشی می گیر
 بیاب فتح کسائی سیر و مقاتله
 بضم حکایت ابو زید کرد و آخره
 عیوب و لون و سلی زو ظهور بنایه
 عو شیب کج امثال هست با ترتیب
 گدوده است دران ضم و کسرین و ا
 همین خط خرف آمد و کرم گذشت

یکی یو اعراسے نے واقعہ اعراسیدان
ای سال ۱۲۰۵ء
سوم بیا بیعتے باج ایتج پذیر
اجن ۱۲۰۵ء
چو عین ولام بود حزن خلق ای دانا
بفتح اصرعہ گنہ است و شکر
بنام مقابلہ ۱۲۰۵ء
فرخ حزن علی اکثر ہم ارسج آید
بنام شکر ۱۲۰۵ء
جز دل حزن سقم ائی یار دلنواز حبیب
ز لون و غیب خفی و علی است چند بنا
بنام حرم ۱۲۰۵ء
باق کب بر حزن است و غیب حق حرم

که حرف حلق بود عین کلمه اش نام
 پیدا است ز سر و نصرت کون عین
 چنانکه در لغت عامری نقلی است
 یکی بود و جمع آنها دوم حات الیر
 هم افتاد بود از خصائص این باب
 چهارش جمع الواحد و کاتع است

برای باب فتح شرط کرده اند که
دو فتح در یک رکن از داخل بین
شده اند از قسم شد و اولی باب
برای معنی ترحم و سلب اخذ می
کند و هم الباس و فتح را در باب
سخت است و سخت و فقیر هم سخت

[illegible]

در بیان این که در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است و در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است

تفعل

تقطعت پس قطعتا بودی قبل
برای کس و تکلف می توان آمد
سوم تخم و آن چارمی تخم شد
یکی تخمین دیگر متولست مثال
که عین اخذ و بشل او برگردش
برای قسم دوم و آن تخم تصدیق
چنانچه از کتب صرف گشته است عین
چو اخذ اخذ و چیزی وراثت فرماخذ
سوم محرکه چارم تا بظا التمرست
موافق است تفعل بباب تفعیل
دوم تخم انست و آن تخم همان
تخم است چارم پی مراد طلب
چنانکه هست تکلم برای حرف نون

تفعل آمده بیشک مطلق تفعل
پس تخم و تخم بیکان آمد
یکی تخم باشد در تخم شد
پی تفعل و صورت ای هایون قال
هم از برای تخم بود دو قسم دی
بود مثال نخستین تخم از ذریق
چهار قسم بمنی استخوان و بران
که هست ساختن ماخذ و دیگر ماخذ
یکی تخم دیگر توالت و تخم است
موافق آمده هم با مجرد و فعال
یکی شریح چون راج ای گرامی نشان
سوم تکذب آید بمنی کذب
توان نمود از و ابتدای حرف نون

مفاعلة

ای برای

در بیان این که در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است و در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است

در بیان این که در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است و در بعضی از کلمات و عبارات که در این کتاب آمده است

مجلس شورای ملی

مجلس شورای اسلامی
شماره ۱۰۰
۱۳۵۷

مراعات

فصل اول در بیان احوال و حال

پس از این که در این

10

۱۰۰



اسم

برای معنی ^{طی}حسبان یا قوت استعمال
دو اول است چو حسن ^{طی}چو حسن
هم آمد دست برای تحمل و جبران
مثال برد و چو ^{طی}حسن است و انگرم
مطابعت بی افعال نیز پنداری
مطابعت براس مجر و مطلق
همین تطبی تفصیل ای شریف لقب
موافقت بحسب ^{طی}چو حسن و قمر
موافقت بافعال ^{طی}چو حسن
موافقت است همین طور مفضل
هم آمد دست بی ابتدا بدون خلاف

باتحاد و پی قضاوی حمیدہ خصال
 اخیر ہر دو چار سٹوٹن ست ایشیج
 بود بہر طلب نیز بیگان میدان
 بر اس معنی ثالث مقرر است
 چو استقام کہ بعد از آری
 بدان مثال سکت کتاب فائز
 چنانکہ گوئے اویہ فائز
 یکی اکثر از مقال است
 کہ شل است شد در کلام الی عرب
 چنانکہ مثل تجی پایہ
 چو استقام تراشد موی زیران
 عاز مقام زیران

الفضائل

پس انضال لزوم و علاج مراد است
مطالع آمد، بهر مجرب و شایسته اکثر

بدین کاغذ گویند انقدر ام خطاست
کسرت فاکسیر بجان مثال آن بگر
کسرت فاکسیر اور این شکست ۱۲

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

[illegible]

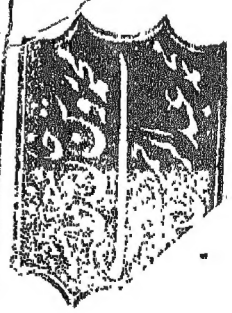
مجموعہ کتبہ جامعہ اسلامیہ دارالافتاء دارالعلوم دیوبند

س

کتاب جامع
که نام این
جلد است

۱۳۰

کتاب جامع
که نام این
جلد است



نقص خان	چنانچه بر خط فرمان او نهادم سر
که تا بشام	از کار مطبع فرصت نماند بود مرا
بوقت شام	چو صبحگاه مطبع روانه گشتم
که این غبار	درین مسیر زباب و ایاب فکرت بود
شروع باد	بماه آخر خرفه جماعت اگر دید
که سال شصت	پی زمانه آغاز نام تاریخی ست
بجبهه لعل	نظر بنماید تاریخ سال را در ایاب
بصفحه زرین	درام تا که ساله نو و کن باشد
بر آل و عتبت و	ز با بجان نماند درود و سلام

قطعه ای از طبع این آیتی محمد عبدلی رهبر حق و زین

که بر فراز این گشته	کتاب صحن چرخش طبع شد چو شکر
کنند صرف بیان نفی	چو صرف من و ثنا بلکه در بهای او
بصد هزار فاسن ز آب	دو باره طبع درین مطبع نظامی شد
کتاب صرف زین نیک	زشت خانه آسایش زردی نیک

و چه مهر و دستخط بر آیت
برای هدایت معنی که این کتاب مطبعه غایت مفید و مختصر است

کتاب جامع
که نام این
جلد است

CALL No.

۲۹۱۶۵۵۵

ACC. No.

۷۰۸۵

AUTHOR

TITLE

فصول اکبری



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

